



است. مدت زیادی است که چند روزی در هفته را در مشهد می‌گذراند تا به کارهای فروشگاه و مشاوره سلامت برسد. چند روز دیگر راهم در روستای زادگاهش در کنار زنپورهایی که به گفته خودش برایشان مادری می‌کند می‌گذراند. «حالا که با به سن گذاشته‌ام، هنوز هم ساعتی که فکر کنم بیکار هستم، برایم ساعت خوشی نیست. هرشب قبل از خواب کارهای روز بعد را در ذهنم مرور می‌کنم. گاهی شده است که در روستا فراغت بیشتری داشته‌ام، اما از همان وقت هم استفاده می‌کنم و برگ درختان و گیاهانی که خاصیت دارویی دارد جمع‌آوری می‌کنم. تا وقتی توان داشته باشم، کار می‌کنم و از نظر من بازنشستگی معنایی ندارد.»

او معتقد است آن‌ها ظرفیت صادرات عسل و محصولاتشان را دارند و اکنون نیز از عراق، افغانستان و قزاقستان مشتری دارند. «از ابتدای کار تاکنون نتوانسته‌ایم وام بگیریم. یعنی مراحل آن قدر سخت بود که به خودمان قبولانندیم به دریافت وام فکر نکنیم و همیشه درآمد همین کار را صرف توسعه خودش کردیم.»

صمدی انگار حالا بعد از سال‌ها تلاش، حاصل کار خود را می‌بیند و از اینکه می‌تواند با کارآفرینی بستری برای اشتغال خانواده خودش و ۱۰۰ فرد دیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراهم کند، رضایت در وجودش جا خوش می‌کند. «هنوز هم دوست دارم این کار را توسعه بدهم و علاوه بر خانواده‌ام، برای افراد دیگری نیز مفید باشم. از نظر فضا دچار مشکل هستیم و نمی‌توانیم همه گیاهان دارویی را خودمان برداشت کنیم، اما سعی می‌کنم هر سال گیاهان دارویی‌ای را که لازم داریم از مردم در روستای خودمان تهیه کنم تا بازار کاری برای آن‌ها ایجاد شود.»

➤ جزو اولین مربیان نهضت سوادآموزی بودم

صمدی از نسل قدیم مادران است، مادرانی که در قامت یک دختر نوجوان، انقلاب و بعد از آن دوران جنگ را به چشم دیده و با وجودشان لمس کرده‌اند. او نیز به یاد می‌آورد زمانی که کلاس یازدهم بود، زمزمه‌های انقلاب شروع می‌شود و آن‌ها در راهپیمایی و تحصن‌ها شرکت می‌کردند. حتی در این باره جلسات خانگی داشتند. «زمانی که انقلاب شد، جزو اولین مربیان

نهضت سوادآموزی بودم. با اینکه هنوز دیپلم نگرفته بودم، هرچه یاد داشتم به زنان دیگر می‌آموختم. زمان جنگ، دورانی بود که ازدواج کرده بودم و بچه داشتم. به همین دلیل نمی‌توانستم به مناطق بروم، و کمک‌های پشت جبهه مانند بسته‌بندی وسایل را انجام می‌دادم.»

➤ به دنبال علاقه و پیرو خانواده

ریحانه اکبری اولین فرزند و تنها دختر صمدی است که ۱۵ سال پیش، در بازار گل مشهد، در حوزه بانکداری گیاهان طبیعی خشک‌شده فعالیت می‌کرد. ۵۰ نیروی کار داشت و به افغانستان و عراق صادرات انجام می‌داد. بیشتر نمایشگاه‌های بین‌المللی را شرکت می‌کرد و در نوع خودش موفق هم بود. «من به حوزه گیاهان دارویی علاقه‌مند بودم و به این دلیل که پدرم مشغول زنپورداری بود و مادر نیز علاوه بر زنپورداری در حوزه گیاهان دارویی فعال بود، انگیزه بیشتری پیدا کردم که به سمت این کار بروم. البته از کودکی به رشته پزشکی نیز علاقه‌مند بودم که می‌شود گفت حالا خیلی از آن دور نیستم.»

او یک بانوی دهه‌شصتی است که همیشه می‌خواسته فعال باشد و فعالیت خانه‌داری به تنهایی او را ا قناع نمی‌کرده است. به همین دلیل، اولین کاری که تجربه می‌کند، کارهای هنری را آموزش می‌بیند و در خانه خودش، آموزش به سایر بانوان را شروع می‌کند. به مرور، آموزشگاهی برای این منظور در نظر می‌گیرد و آموزش‌هایش را به شرط اشتغال ادامه می‌دهد. «بانوانی را می‌دیدم که به دنبال کار هستند، اما محیط امن کاری برای آن‌ها مهیا نیست. در واقع، با این کار می‌خواستم مشکل آن‌ها را نیز حل کنم. خودم بازاریابی می‌کردم و قرارداد می‌بستم. تولیدات این بانوان را از جانماز گرفته تا جاکلیدی، دسته گل، رویچالی و ... می‌خریدم و به فروش می‌رساندم.»

اکبری برای پیشبرد کار به تهران می‌رفت و مدل‌های جدید را رصد می‌کرد تا با اجرای تغییرات روی مدل‌هایشان، نوآوری ایجاد کند. آموزش در حوزه‌های زیادی صورت می‌گرفت و حتی در مواردی که او آموزش ندیده بود، از یک مربی دیگر دعوت به کار می‌کرد. «کار خوب پیش می‌رفت و استقبال هم می‌شد، اما متأسفانه بعد از مدتی اجناس با کیفیت پایین و قیمت ارزان یا

محصولات چینی را وارد بازار کردند و دیگر از خرید تولیدات ما استقبال نمی‌شد. در صورتی که علاوه بر ارسال به همه شهرهای کشور، به افغانستان و عراق نیز صادرات داشتیم.»

➤ گاهی در زنپورستان کنار پدر و گاهی در فروشگاه کنار مادر

اکنون ۱۰ سالی می‌شود که در کنار مادر و خانواده‌اش مشغول به کار است. لیسانس گیاهان دارویی و معادل دکتری طب سنتی از دانشگاه پردیس تهران دارد و حتی دوره‌ای آموزشی را در کشور هندوستان گذرانده است. علاوه بر این، کلاس‌های آزاد در باره گیاهان دارویی را نیز شرکت می‌کند. اوایل به عنوان یک هنرجو، گاهی در زنپورستان کنار پدر و گاهی در فروشگاه کنار مادر کار می‌کرد تا علاقه ذاتی خود را پیدا کند. «کار در کنار خانواده حس خیلی خوبی دارد. من و ۲ برادرم، همسرم و حتی پسر بزرگم در ۴ شعبه‌ای که در مشهد و روستای پیوه‌ژن داریم فعال هستیم. خوبی کار این است که به پدر و مادرم به چشم یک کارفرمای غریبه نگاه نمی‌کنم. هدف اولم خدمت به پدر و مادرم است که سعی کنم باری از روی دوش آن‌ها بردارم. برای نمونه، کارهای اداری را خودم انجام می‌دهم تا آن‌ها درگیر نشوند.»

موفقیت‌هایی را که در کار نصیبش می‌شود مدیون دعای خیر پدر و مادرش می‌داند. یکی از این موفقیت‌ها این بود که از او برای کشور قزاقستان دعوت به کار می‌شود. یک ماه او و همسرش مهمان آن‌ها می‌شوند و درباره خواص گیاهان دارویی ایران که در آنجا شناخته بود، برایشان صحبت می‌کنند. ضمن اینکه مشاوره و مزاج‌شناسی افراد را نیز انجام می‌دهند که برای اکبری، حکم یک کار تحقیقاتی را داشت. «بعد از آن دعوت به کار دائم شدیم تا اقامت آن کشور را نیز بگیریم. البته به دلیل تعلقات خانوادگی و اینکه کشورم را دوست دارم، نپذیرفتم، اما هنوز برای فروش محصولات ارتباط داریم.»

او باور دارد برای بانوان در حوزه کارآفرینی سختی‌های بیشتری وجود دارد اما نباید دلسرد شوند. اکبری به یاد می‌آورد برای راه‌اندازی یک شعبه در روستای زادگاهشان و اشتغال‌زایی برای مردم در حوزه گیاهان دارویی آن منطقه، سنگ‌اندازی‌های زیادی را تجربه می‌کند. «نمی‌دانم به چه دلیل، اما انگار مسئولان آن بخش تمایلی نداشتند که این کار شکل بگیرد. کفش آهنین به پا کردم و همه اداراتی را که لازم بود رفتم، اگر فرد دیگری بود، شاید خسته می‌شد، اما من ادامه دادم. حالا که به آن موقع فکر می‌کنم، با خودم می‌گویم درست است که اذیت شدم، اما خوشحالم که رها نکردم و کار نتیجه داد. ضمن اینکه همسرم نیز از من حمایت می‌کرد و در موفقیت من نقش داشت.»

➤ در حوزه آموزش گیاهان دارویی فعال هستم

او علاوه بر کارآفرینی، در حوزه آموزش نیز مشغول است. در دانشگاه فرهنگیان طب سنتی و مزاج‌شناسی آموزش داده است و در کلاس‌های آموزش ضمن خدمت معلمان نیز حضور دارد. ضمن اینکه گاهی در مدارس و پایگاه‌های بسیج نیز در حوزه گیاهان دارویی مطالبی را به افراد ارائه می‌دهد. «به جای اینکه بگویم در روز چند ساعت کار می‌کنم، بهتر است بگویم چند ساعت استراحت می‌کنم! در طول روز شاید یکی دو ساعت استراحت کنم و مابقی ساعات را مشغول کار یا انجام وظایف مادری و خانه‌داری خودم هستم. ضمن اینکه بیشتر اوقات حتی از خانه به صورت تلفنی نیز پیگیر کارها هستم. اگر با وجود انجام کارها، باز هم زمان داشته باشم، آن را به مطالعه و تحقیق اختصاص می‌دهم.»

➤ ثبت شرکت در حوزه تولید عسل و گیاهان دارویی

او بر این باور است که اگر اعضای یک خانواده در یک مجموعه کار کنند و همدل باشند، آن مجموعه موفقیت‌های بیشتری کسب می‌کند. «بعد از سال‌ها تلاش، توانستیم ۲ شرکت را در حوزه تولید عسل و عرضه گیاهان دارویی به ثبت برسانیم که یکی از آن‌ها دانش‌بنیان نیز هست و کار آن‌ها در مراحل پایانی است. برنامه بعدی‌مان در حوزه کاری، شرکت در نمایشگاه‌های خارجی است.»

شهر بانو

شهر بانو

۲۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۳ صفر ۱۴۴۴ شماره ۳۴۸۵

(۵)

حالا بعد از سال‌ها تلاش، حاصل کار خود را می‌بیند و از اینکه می‌تواند با کارآفرینی بستری برای اشتغال خانواده خودش و ۱۰۰ فرد دیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراهم کند، رضایت در وجودش جا خوش می‌کند

